سال دوم شماره ۲۴۶ صبح سه شنبه ۱۷ بهمن ماه ۲۴۳۱ تک شماره یک ریال ونیم

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آژیر روزهای یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ ریال
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره :
(خیابان لاله زار - پاساژ بهار)
تلفن ۹۸۱۷

وضعیت دولت مبهم است

میگویند وضعیت کابینه زیاد روشن نیست .

سیدضیاء و دارودسته مرموز برای مقاصد سیاسی خاصی که جنبه تقنینی نسبت بهمسایه شمالی دارد درمطبوعات و در مجلس برای کابینه گارشکنی میکنند .

کارهای کابینه ساعد دردهن اینها مزه کرده است می خواهند دولت همیشه ازعناصری تشکیل بشود که بتوانند مقاصد شوم خود را با دست آن ها انجام بدهند

خرج ومخارج سید بسیارسنگین است عده زیادی ازماجرا جویان از قبل اواستفاده میکنند اگر بناباشد دولت جلوی ساخت وباخت های تجارتی او وا مسدود بکند قطعا منقطع خواهد شد . ازقراری که شنیده ام دراینموره رشیدیان توانسته است کاری انجام بدهد. یکانه مرد عاقدی آقایان کارشناسان آمریکائی است که آن هم بامعدود شدن اختیارات دکتر میلیو زیاد حاصلخیز نمی باشد

وانگهی رادیو مسکو وروز نامه های روسی ونیم رسمی شوروی مطایرا علنی کرده نقشه شوم آنهارا برخشان کشیده اند در نتیجه دولت برای حفظ موازنه سیاست خارجی ناچار است در رفتارخوددقیق باشد ازلزام و تله ماجرا جویان پرهیز بکند

این ها وعلل دیگری که ما در این شماره ازذکرآن خودداری میکنیم سبب شده است که حالفه نسبت بدولت بیان بدبین باشد .

اینها خیال می کنند که اگر بیانرا بیندازند ممکن است دردولت آینده چند نفر از نورچشمی هارا جابزنند ولی این بنظر مشکل می آید .

برای این که مجلس هرقدر مرتجع باشد بالاخره مجبوراست افکار عامه را درنظر بگیرد

بهرحال اطرافیان سید وهنوز عده شوروی جداً بادولت مخالفت میکنند درصورتیکه معلوم نیست خود دولت در سیاست خارجی توانسته باشد اشکالات رافع بکند.

ولی سیدی ها بامملکت وسیاست واستقلال کارندارند اینها فقط روی اغراض خصوصی دوندگی می کنند بی پا ولی می کردند که به آن ها سواری بدهد.

علاوه بردسته مستقیم سید عده ای از نمایندگان مجلس هم روی اغراض خصوصی تری بادولت بیان مخالفت می کنند این ها طرفداران دکتر میلیو هستند . دکتر میلیو بالاخره ازکیسه دولت خانم بخشی کرده چند هزارتا آنها را بدام انداخته و بدادن دکتر میلیو دکان این ها تعطیل خواهد شد

ازاین جهت باکابینه سخت مخالفت میکنند و وضعیت کابینه زیاد روشن نیست .

سیدضیاء و دارودسته مرموز برای مقاصد سیاسی خاصی که جنبه تقنینی نسبت بهمسایه شمالی دارد درمطبوعات و در مجلس برای کابینه گارشکنی میکنند .

کارهای کابینه ساعد دردهن اینها مزه کرده است می خواهند دولت همیشه ازعناصری تشکیل بشود که بتوانند مقاصد شوم خود را با دست آن ها انجام بدهند

خرج ومخارج سید بسیارسنگین است عده زیادی ازماجرا جویان از قبل اواستفاده میکنند اگر بناباشد دولت جلوی ساخت وباخت های تجارتی او وا مسدود بکند قطعا منقطع خواهد شد . ازقراری که شنیده ام دراینموره رشیدیان توانسته است کاری انجام بدهد. یکانه مرد عاقدی آقایان کارشناسان آمریکائی است که آن هم بامعدود شدن اختیارات دکتر میلیو زیاد حاصلخیز نمی باشد

وانگهی رادیو مسکو وروز نامه های روسی ونیم رسمی شوروی مطایرا علنی کرده نقشه شوم آنهارا برخشان کشیده اند در نتیجه دولت برای حفظ موازنه سیاست خارجی ناچار است در رفتارخوددقیق باشد ازلزام و تله ماجرا جویان پرهیز بکند

این ها وعلل دیگری که ما در این شماره ازذکرآن خودداری میکنیم سبب شده است که حالفه نسبت بدولت بیان بدبین باشد .

اینها خیال می کنند که اگر بیانرا بیندازند ممکن است دردولت آینده چند نفر از نورچشمی هارا جابزنند ولی این بنظر مشکل می آید .

برای این که مجلس هرقدر مرتجع باشد بالاخره مجبوراست افکار عامه را درنظر بگیرد

بهرحال اطرافیان سید وهنوز عده شوروی جداً بادولت مخالفت میکنند درصورتیکه معلوم نیست خود دولت در سیاست خارجی توانسته باشد اشکالات رافع بکند.

ولی سیدی ها بامملکت وسیاست واستقلال کارندارند اینها فقط روی اغراض خصوصی دوندگی می کنند بی پا ولی می کردند که به آن ها سواری بدهد.

علاوه بردسته مستقیم سید عده ای از نمایندگان مجلس هم روی اغراض خصوصی تری بادولت بیان مخالفت می کنند این ها طرفداران دکتر میلیو هستند . دکتر میلیو بالاخره ازکیسه دولت خانم بخشی کرده چند هزارتا آنها را بدام انداخته و بدادن دکتر میلیو دکان این ها تعطیل خواهد شد

ازاین جهت باکابینه سخت مخالفت

وزیران وخائنین بلغارستان

اعدام شدند

آزادیخواهان درس بگیرند - مرتجعین عبرت

پس از یکماه یاغیگری و نمایشات و متینگها ملت بلغار بعملی کردن آرزوی دیرین خود نائل گردید . هیئت دادرسی از اعضاء و مامورین مالی دست کشیده قرار خودرا طبق دلخواه ملت صادر کرد .

این برای ملت بلغار آزمایش بزرگ بود که از آن با سربلندی بیرون آمد

رادیوها خبر اعدام بیست و دو نفراز زمامداران آنجا را با اسامی السلطنه و دو ژنرال نامی دیگر در دنیا پخش کرد عده زیادی نیز بحبس های سنگین محکوم گردیدند .

جرم وجنایت اینها بسیار سنگین بود . اینها در اثر سیاست شوم و خائنانه خود بلغارستان را برخلاف میل ملت به آغوش هیتلر پرتاب کرده بودند .

اینها برای خوش آیند هیتلر کشور نامبرده را بباز داشتگاه نظامی پرتبدیل کرده با وحشت ترور دهن مردم را بسته بودند . با وجود اصحامات و تمایل شدیدی که ملت بلغار نسبت باتحاد جماهیر شوروی ابراز میکرد دولت بلغار که بازیچه همین محکومین بود آنجا را به مرکز ایجاد فتنه و فساد بر ضد اتحاد جماهیر شوروی تبدیل کرده بود ملی رغم توده های وسیع خلق و برخلاف منافع بلغارستان با دستور هیتلر اینها به دولت آمریکا و انگلیس اعلان جنگ داده بودند .

برای تامین تقاضاهای هیتلر آزادی خواهان بلغارستان را بزندان ها ریخته آنها را با انواع شکنجه ها از پای در می آوردند .

حکومت بلغارستانی در واقع وجود نداشت اینها زمام امور را بدست کشتایوی هیتلر تسلیم کرده خود بدرجه آژانی آن تنزل کرده بودند .

اینها بلغارستان را برای تامین احتیاجات ارتش آلمان بفلاو تاراج کرده بهلاک سیاه نشانده بودند. ملت بلغارناچار شده بود سه سال تمام توهین و تحقیر اشرف مخلوقات (گوملر) را که بر علیه نژاد اعلاو از رادیو تران بخشی گردید و در کوچه و خیابانهای صوفیه و سایر شهرستانهای بلغارستان طنین انداز بود تحمل نماید .

بالاخره وقت انتقام ملت رسید فرصت بدستشان افتاد . مطابق عقل و منطق و عدالت رفتار کرده ملت را برای همیشه از شر آنها خلاص کرد تا مردم را برای تامین آزادی ودموکراسی صاف وهموار نموده دوخت متحوس استبداد را از ریشه بر کنند .

حکم دادگاههای ملی بلغارستان برای آزادیخواهان ایران باید درس باشد و بدانند که در سیاست اغماض و چشم پوشی غلط است خیانت است و تیشه است که انسان بریشه خود میزند

ما بعد از خوشبوز فرصت بسیار بزرگی را از دست داده ایم . آرزو حقش بود مسائله ملت غیور بلغارستان تکلیف زمامداران خائن وطن را معین میکردیم . با ایجاد محکمه فوق العاده ملت را از شر آنها آسوده و راحت می ساختیم .

باقی در صفحه ۳

بقلم « احمد - احمد »

اتحادیه

ممالک عربی و سیاست دنیا

در این چند روز پس از ملاقاتی که « ملک فاروق » با « ابن سعود » ملک حجاز بعمل آورد ، دو محافل طرفدار عملی شدن « اتحادیه اعراب » امید اجرای این آرزو بیشتر شده وحتی از طرف دولت مصر دعوتی از کشور های عربی دیگر بعمل آمده است که نمایندگان خود را برای شرکت در انجمنی که برای تهیه مقدمات این اتحادیه در « قاهره » تشکیل خواهد شد ، اعزام دارند .

فکر تشکیل « اتحادیه کشور های عربی » که از مدتی پیش ازطرف سیاستمداران دوست مینمتر ، باجدیت هر چه تمامتر برای تهیه طایفی دربرابر مستملکات خاور زمین تعقیب میشد ، مدتی دراثر صدام با مسئله فلسطین وسیاست انگلوساکسونهای نیمکره غربی متوقف شده بود ، در اثر ملاقات « ابن سعود » - که تکیه بسیاست امریکا داده و یکی از مسوالع تشکیل این اتحادیه بشمار میرفت - با « ملک مصر » وارد مرحله عملی تری شده و تصور میرود باین ترتیب موافقت امریکا در این خصوص تحصیل گردیده است .

باقی درصفحه ٤

اخبار مهم جهان

محل کنفرانس سه پیشوایان متفقین

بنا بخبری که هنوز صحت آن تائید نشده است کنفرانس پیشوایان سه دولت در کنستانزا که یکی از بنادر رومانی است تشکیل گردیده است

رئیس دولت آلمان آزاد

ژنرال پاولوس که یکی ازفرماندهان آلمان در ستالینگراد بوده درآنجا باسارت ارتش سرخ در آمده بود بریاست دولت جدید آلمان آزاد انتخاب شده است .

ژنرال پاولوس و دولت آلمان آزاد تصمیم گرفته است پس از اشغال یکی از دو شهر مهم کذبرک و براتسلاو را بطور موقت پایتخت قرار بدهد وسازمان دولت جدید را آنجا منتقل سازد .

این خبررا شب شنبه رادیو فرانسه پخش نموده است .

وضعیت یونان روشن میشود

از قراریکه بعضی از رادیو های خارجی اطلاع میدهند . در یونان وضعیت دارد روشن تر میشود مذاکره نمایندگان آنم و دولت هنوز ادامه دارد ولی احتمال میرود که در اثر آن بعضی از سوء تفاهمات مرتفع خواهد گردید .

متارکه جنگ با آلمان

قابیم است که در کنستانزا کنفکوی متارکه جنگ در جریان است رادیو آنکارا بعد از انتشار این خبر گفته است که هنوز از طرف مقامات صلاحیتدار صحت آن تائید نگردیده است .

باقی درصفحه ۲

فریدون ابراهیمی

۱

باید آنجا باشید ...

در اطراف مقاله « ایلیا ارنبورگ »

امروز ارتش سرخ در قلب آلمان با قدم های سریع و محکم پیش می رود و نزدیک است که آرزوی بزرگ آزادی خواهان جهان را برای کوبیدن جانور خون خوار فاشیسم در لانه خود عملی سازد ...

منتهی هنوز کسانی هستند که از روی تعصب در احمقی و قرار گرفتن در تحت نفوذ تبلیغات بسیار ناشیانه میل ندارند که به شکست طبیعت فاشیست اعتراف نمایند . نمی خواهند نازی ها را شکست خورده ببینند .

هنوز هم با نهایت وقاحت ازعقب نشینی منظم آن ها صحبت می دارند و بالاخره علاقه باطنی خود را مبنی بر هوا خواهی از فاشیسم بهر نحوی هست ابراز میدارند . این کوته نظران ازمرتفعیت درخشان ارتش سرخ بدست و پا افتاده بیا رویه ای ناشیانه برده از روی منویات خودبر میدارند .

می گویند که ملت آلمان را باید بحال خود گذاشت و داوری درباره آن ها را باید بعهده « خداوند قادر » محول نمود ...

این هم سیستمی برای دفاع از آلمان است . رویه ایست که برای حمایت از فاشیسم تعقیب میشود .

باین آواز های ناهنجار و به آواز های ناهنجار تر دیگری که در اینموقع دم از صلح با آلمان میزنند یا اهمیت موقع را مرخ تازی ها کشیده و آنها را برای تحمیل با شرایط بهتر و مساعد تری بسوی خود دعوت می نمایند ؛ و بالاخره در صدد اغفال چیانیانند و می خواهند ثبات شوم خود را برای تجدید جنگ دیگری با این پرده های رنگا رنگ بپوشانند باید جواب داد که راز های شما از پرده بیرون افتاده و شما دیگر بار قادر نخواهید بود از جانور زخم خورده و مشرف بفوت فاشیسم نگاهداری و حمایت نمائید .

این ضربت خرد کننده بدست ارتشی وارد آمده که برای رهائی و آزادی نوع بشر در جنگ ... ارتشی که برای ملت های اسیر اروپا آزادی از زیر اسارت فاشیسم به ارمغان آورده است .

این ارتش بعد از دادن اینهمه تلفات عظیم در راه رهائی تمدن و فرهنگ نوع بشر از خطر انهدام قطعی بهیچ وجه حاضر نخواهد شد نسبت بجنایت کاران گذشت نشان دهد . کارگرانی که در راه این پیروزی درخشان فداکاری ها و مجاهدت ها نموده اند حاضر نخواهند بود ، از مجازاتی که مسببین جنگ باید ببینند صرف نظر کنند .

مسببین از هر طبقه و قوم که میخواهند باشند ، باید بکیفر اعمال خود برسند .

اگر تمایلات ملت آلمان بارژیم خونخوار بربریت فاشیسم هم آهنگی نداشت ، اگر جوانان آلمان خیالات و آرزوهای جهانگیرانه در سر نداشتند چگونه ممکن بود بچنین بلائی بجان ملت های صلح جوی اروپا بیفتد .

آری این ملت باید مورد مجازات و داوری قرار گیرد ، ما از آنهائی که از هم اکنون این ملت را بی تقصیر معرفی می نمایند ، از آنهائی که فاشیسم بیت الالمانی را عمداً تقویت کرده و تحت حمایت گرفته اند ، از کسانی که از وجود این برژیم استفاده ها برده اند و خون هائی را مکیده و می مکند ، انتظار تفاوتی که در باره ملتی که مسبب اصلی

باقی در صفحه ۲

« در حاشیه زندگی »

بقلم «پیمان آوش»

کفش تنگ

از دوقدم داشتم معنی موت که غیر نداشتم .

فقیر بیروز ، فقیر و شیطانی که از دور میدان جنگی را میدید ، اما باور نکرد که شم اورا نشانم .

افتخاری وجود را که بر پیشانی داشت بدست گرفته بود و با برهنه میرفت .

در جوانب زمزمه‌ها و لبخند های نیش دار بانوان و دختر خانمها که داشتن برای خندیدن و دست انداختن اک زده است سوی صیمانه تکان میداد و لبخندی شیرین میزد .

در جوانب نگاه های تحقیر آمیز مردها که از هر فرصت برای نشان دادن بزرگی و دانائی خود استفاده می کنند با ابروانی درهم کشیده، نگاهی وسیاه وطولانی میکرد ومیگذشت

منکه در قیافه آرام اونصنعی ندیدم قدمها را تندتر کردم و نزدیک شدم

— «احمد» چرا اینطور میکنی ، این‌چه بازی است در آوردی؟

نگاهی ترسم آمیز ، تحویل دادو مثل این که درسی را ازبر کرده باشد بدون‌مقدمه گفت :

خیلی‌مونم ، اماچطورشد که رفس طبقه ظالم خاکه را بسار « کانون ارتجاع» بازی نداشتی‌وهل مرا بازی دا حتی ؟

با اینحال چرا به بازی « مجلس ملی» که سنگ استقلال ایران را بسینه میزند اشاره‌نمیکنی ؟

ظاهراً «احمد» باین‌زودی نمی خواست از بالای منبر پائین بیاید،ناچار درحرفش دویدم که :

اما من نه باتو اختلاف‌عقیده‌سیاسی دارم ونه برای یک مصلحت شخصی با بروی حق میگذارم ومانور ناشیانه‌ات میدهم .

عرضم این بود که با این لباس‌شیک با برهنه راه رفتن وخودرا‌مورد‌مسخره قراردادن چه‌معنی دارد .

گفت : خیلی ساده است ، چونکه پیش به پیشنهاد و اصرار یک دوست خیرخواه (؟) بود کفاش مخصوص» از کفش مفاوش دادم .

ظاهر این کفش بضوری که می بینی خیلی زیبا وفریبنده است‌اما‌امان ازباطنش .

رفتی آن‌را پوشیدم خیلی تنگ از آب در آمد . چندروز قبل از فشار آن پاهایم تازاتو تیرمیکشید، دیروز این درد به چشمان و امروزبرسرم هم سرایت کردم .

اصل چلاق اشدن ونجات پای من بود . ناگزیر تصمیم گرفتم که‌ناچوش این کفش و بدون اعتنا به نظر این و آن بابرهنه راه‌بروم واز اینساعت‌بیش این‌تصمیم را عملی کردم .

گذشتم پیاپیکدفعه‌هم به کفاش‌مخصوص من سفارش بده .

گفت : ای‌بکوربدر هرچه« کفاش مخصوص» استه دیگر کول « کفاش مخصوص» اینو آن‌را نخواهم خورد هیچکس مثل‌من از دردم باخبر نمیشود و بدرمان آن علاقمند نمیگردد . از مسخره‌کردن مردم هم زمین به آسمان نخواهد رفت .

ملت ایران هم باید فریب ظاهر را نخورد و با بی‌اعتنا به زمزمه های استعمارچون قبل زهره شیران مستقلان خودرا در صحنه کوشاه کشوسیر کفش های تنگ دیگر را نباید ضامن ارجاع جدید بدون اندازه‌واصلاح واقعی و عقل خودرا بدست آورد

...

وقتی از سر تردید مرا جیدم روی فکر «نوبرای زدن به ارکفش‌تنگ» هنوز بر احمد، کفش تنگ و فریبنده خودرا بدست داشت

گردن را راست کرده ، سینه برباد را مانندوجه داوی که (عقب نشینی مشمشاه) کرده‌باشد به‌پیش داده بود وسوت‌زنان و پابرهنه دورمیشد

(احمد) میرفت تا خودرا ازشر و خطر کفش تنگ نجات بدهد

«وش بحال «احمد»

«پیمان آوش»

باید آنجا باشید ...

بقیه ازصفحه‌اول

جنگ است ، دوباره ملتی که افراد آن ملیونها جوان بیگناه را کشته و اعضا و اعضای گردنده مادرها و آنرا که گریسته‌اند زیر چکمه‌هایش کرده و به‌آتش مهربت مرگ فرستاده است میوه‌ها و دختران را با نهایت قساوت قلب‌هایش وقتی به عشق بوده ، از وسیله‌ی سیر آرزوها و عشق و دیدار آمرزگی واداشته‌اند دوری نمایند .

دوباره در تحت‌مرکز دولت ارتش صرح است ، ارتش صرح بدینه در این اند ، درآن شهر امنی که عهد تبرات و حمایتهای ارتجاع‌وامپریالیزم بین‌المللی است ، دوری خودرا نسبت به جنایتکاران جنگ عملی کند . این‌معنی است که آزادی ملت‌های جهان رهائی تمدن و فرهنگ کنی به ارتش صرح داده است .

فرزندان شوروی ، افراد دلاور ارتش صرح باید درآنجا باشند تاانتقام خون بچه‌ها ، دختران ، زنان وجوانان و پیرمردان خود و سایر کشورهای‌اروپا را بستانند .

وزارت پیشه و هنر کارخانه مدیر کل سازی

آقای اردبیل‌معاون کل ، دکتر شیخ معاون کل و مدیر کل باز رسی‌ها ابراهیم‌زنگنه معاون کل فخرالدین وفا مدیر کل بازرگانی محمد قائم آذیت مدیر کل اداری ، محمود ملک مدنی — مدیر کل اداری خسرو افشی — مدیر کل بازرسی ، علی رضا تقی بزدی و مدیر کل محمد هاشم مدیر کل نوغان ، جواد عبیدی مدیر کل مستشاری ملک زاده مدیر کل استان ، وحید مدیر کل [illegible] مهندس معاضد مدیر کل [illegible] ، [illegible] مدیر کل [illegible] فرسی — مدیر کل شیلاتی و علی رضا مدیر کل [illegible] دو حکم هر یکی بنام مشاور [illegible] مدیر کل [illegible] و یکی بنام [illegible] کل [illegible] در جریان است

از شماره ۴۵ رستاخیز ایران

دوزندگی چه بگاوزراه آهن ولنی ایران

با آنکه هر قدر امروزه ما خرابکاری های مملکت دزدی‌های اعلوات را افشا میکنند مسئلات روبه خودادامه‌میدهند و گفته‌های زمینکشان‌کارگران را دیده فرش میکنند.

مثلا دوآذرماه ۲۳ داره خواربار ناحیه اراک مقدار ۴۰۹ خروار ذغال از قرار خروواری ۲۷۰ ریال از سفید دشت خریداری و بسارک وارد نموده باآنکه مقدار ۱۸ خرواز ابر بعنوان ریفت وبیاش از شخص‌فروشنده اضافی دریافت دشت حالیه از قرار خروار ۴۵۰ ریال فروش می رساند در صورتی که مدت چند روز که در اراک بازنده‌گی میشده گونی های ذغال ها در جلو انبار خوار ار ناحیه زیرباران مانده ودرنتیجه ۴۵ درصدآن‌آب‌ومقداری خاک است.

علاوه در اولین وحله ذغال مزبور را بین بخشها توزیع نمودند که کل ذغال بدیگری وخاک که ذغال که باخاک زمین مخلوط است بدیگری داده شده اکنون که مقداری راهین کارمندان خواربار و دفتری بخش نمودند بقیه را می خواهند بخشهای خط و جربه و حرکت‌بدهند از نقطه نظر این که دارای‌خاک زمین است کارمندان از کوفتن خودداری و بی دوبن بکاون کارگرن شکایتی مینمایند که‌مقامات بنگاه‌مرض حال‌نمانیم.

اینک نظر مقام مدیریت بنگاه رامرابانی‌نگه شکفت‌آور متوجه ساخته که حتی‌اکنون دست این دزدن راکه دایره خواربار راوسیله تجارت خودقرار داده اند از کار کوتاه نکند.

تیپ کانون کارگران راه‌آهن اراک

آتش بخت خوران

تنها مالیه قزوین ششصد نفر عضو دارد که تعداد اعضاء آن مساوی است‌با اعضاء وزارت امور خارجه انگلستان وزارت پیشه و هنر چهار هزارعضودارد وکار آن وزارت خانه صدور اسکام نقل وانتقال و کارهای دیگر همین چهار هزار نفر است

از رستاخیز ایران

شیدائی اداره جیره بندی بما مغشوب نیست

در شماره ۸۳ روزنامه محترم دماوند شرحی تحت عنوان « چهار صد هزار تومان در آمد یکماهه شیدائی » نوشته شده بود توضیح‌میدهیم که شیدائی نامبرده هیچگونه نسبتی باما ندارد .

بهمن شیدائی — نیکی شیدائی احمد شیدائی

اخبار مهم جهان

بقیه ازصفحه‌اول

آیا ارتش سرخ دوکنار رود اودر برای تجدید قوا ترا ترقف خواهد کرد؟

با بگفته رادیو انی احتمال میرود ارتش سرخ مدتی برای تجدید قوا وتنفس در کنار رود اودر توقف نماید .

کارشناسان جنگی احتمال میدهند که ماه نوشو و زمان دریاچه محل مناسبی از ارتش سرخ خواهد است چند روزی توقف نماید ولی در عمل دیده شد که چه‌ورشم و چه‌ورشم نفس بوده شد و بر خلاف انتظار به‌ده کارشناسان توانست ارتش آلمان را در رود اودر وه‌های برانگیخت کرده نگذارد پیش‌ازوقت در رود پیران مانع وعائقی ایجاد نماید .

ولی از محل وقتی راجع باین موضوع اظهار عقیده نشده و ما خبری نداریم .

اصلا تاکنیک ارتش سرخ طور مخصوصی است که‌پیش ازوقت امتیازاتدر اطراف آن اظهار عقیده نمود .

باید دید عمل چه نشان میدهد .

محاصره نیروهای آلمانی

در اخبار مسکو بمقاله سرهنگ کیف برخوردم ، ایشان ثابت کرده‌اند که لشکریان آلمانی که در پروس خاوری تمرکز یافته اند در خطر محاصره قرار گرفته اند فعلا یک راه‌تنگ و باریک بیشتر در دست ندارند . اگر شهر بیلو را ارتش سرخ اشغال کند، دیگر برای آلمانها قابل‌تصمیم شده برای آنجا کاری صورت بدهند.

بنا بگفته سرهنگ نامبرده مهمترین عمل ارتش سرخ تا بود کردن استحکامات مرزی آلمان است که آنرا دوبار سر هیتلر بنا نهاده بلافاصله پس از ۱۹۱۸ بایستی آن دست زده بودند .

این دو وار در برنامه ون رود اودر ایجاد شده بکر از مهمترین خطوط دفاعی سوی آلمان است و خطوط بنیاد اغلب درهای آن خطوط دفاعی دوبرنه ل مملکت شدید وتنی سرخ مفهوم گردیده است .

آرتش سرخ باپیشرفت بطرف آنتشش برای قوای آلمان متمرکز در داخلت ویرمران عواقب وخیم تهیه کرده‌است.

گزارش مهدی شاهی

درهمدان چه خبر است ؟

در نزدیکی میدان استرومردخانی مدرسه قدیمه را مرحوم شیخ علی خان زنگنه بنانموده بود در سنوات ۱۳۱۵-۱۳۱۶ اداره فرهنگ همدان آنرابتدبل بدانشسرای مقول ومنقول نمود و مدتی طلاب با لباس‌مدرن‌در این مدرسه‌مشغول تحصیل‌بودند تا اینکه در اثر بی کفایتی متولی آنجا (حبیب الله زنگنه) و استفاده بعضی شیادان (حسن ساعتی) حجرات اطراف آنراخراب نموده‌وتبدیل بمغازه کردند وبااجاره دادند و طلاب هم در اثر این واقعه متفرق وپراگنده گشتند .

تا در سنه ۱۳۱۸ اداره فرهنگ همدان همتی کرد و برای تاسیس یک دبیرستان نوبنیاد از اراضی میدان استر مردخای‌وکان های خراب مدرسه‌استفاده کرد واز‌عایدی‌موقوفات‌مدرسه‌دبیرستانی بنا نهاد وبنام واقف آنجا موسوم به دبیرستان زنگنه گردید .

این دبیرستان بعدها دارای دوره دوم متوسطه شد و آنرا بنام دانشسرای مقدماتی بهران موسوم نمودند و بودجه ای هم که کمک دانش آموزان میشد از بدی موقوفات ان مدرسه بود .

پس از قضایای شهریور ۳۲۰ که موقوفات واگذار بصاحبان و متولیان گردید تصدی این مدرسه هم بمتولی مربوطه‌اش یعنی حبیب الله خان زنگنه واگذار گردید ولی چون متولی‌شخص بیسواد و بی اطلاعی بود اقداماتی نکرد ولی بعضی از زنود وشیادان در فکر استفاده برآمدند‌بالاخره متولی‌فوت کرد وقفطنق تولیت بورثه او رسید . اخیرا چند نفر از آخوندهای همدان که درمسئله چنبان آنها آقای حاج سید نصراله بنی‌صدر و صدرالعلماء است در صدد افتاده اند که بعیت چند نفر هوچی دیگر دومرتبه این ساختمان بو بنیاد را تبدیل بهمان مکتب اولیه یعنی محل ومنزل چند نفر صابه شیش خور بنمایندوزارت فرهنگ هم ازین موضوع استفاده کرده وبا نفوست یکی ازمدیر کل ها میخواهد نصرالا دانشسرا رامنحل سازد .

درصورتی شهرستان های غرب که همدان یکی از آنهاست احتیاج مبرم بمعلم دارند و آنرا بنام دانشسرای مقدماتی بآوزگار دانند . بجای اینکه دربیرواجرای تعلیمات‌اجباری‌همگانی بر تعداد دانشسرا ها و دبیرستان بفزایند میخواهند چشم فرهنگ غرب را که باین یک دانشسرا دوخته شده است کورسازند

انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی

جلسه انجمن عمومی برای تجدید انتخابات هیئت مدیره روزپنجشنبه ۲۶ بهمن ماه ساعت شانزده درخانه فرهنگ — خیابان پهلوی — کوچه بوذرجمهری باغ آقای دکتر مصدق تشکیل خواهد شد از آقایان اعضای موسس و عادی خواهشمند است حاضر شوند .

دبیر — منشی انجمن روابط

تلگرافها

ازبر

روشن فکران بزرگ

[illegible] مجلس شورای ملی روز نوشت جناب [illegible] وزیر روزنامه اکسکیون توده [illegible] روشن فکران و دی مقدار در [illegible] شهرهای کوچک کشان [illegible] حوادث مربوط قانون حزب توده [illegible] نخست توسط نماینده اقوامی [illegible] هدمت پنجسال سال شدت [illegible] آزاد همراه اکثر اولی شرح [illegible] کشور جوم آزاد بودا شرحی در [illegible] حزب تبدیل به سیاست [illegible] تصویب قسمت موضوعه ۲۲ [illegible] کار کشان وجست [illegible] قانون (اینجا صوت [illegible]) [illegible] قسمت [illegible] تشکیلهای آزادی [illegible] [illegible] ۱۴۰ [illegible] [illegible] [illegible] جهت [illegible] [illegible] [illegible]

آژیر

اتحادیه ممالک عربی وسیاست فرانسه

بقیه ازصفحه اول

ولی در این هنگام که این مسائل ازسرراه تشکیل اتحادیه اعراب برداشته میشود ، یك کشور دیگر که دارای مقدار متنابهی مستملکات عربی نشین و تبعه مسلمان است ، و چند سال بود درانر تسلط آلمان بر اروپا از صحنه سیاست جهانی رانده شده بود ، در این اواخر واود صحنه شده و بملت تماسی که این مسئله با منافع اساسی او پیدا میکند ، بطور قطع نظریات او در نتیجه نهائی این اتحادیه بی تاثیر نخواهد بود

و این دولت ، فرانسه میباشد .

بطورکلی برای درك روشی که دولت فرانسه در باره مسئله اتحاد کشور های عربی در پیش خواهد گرفت ، باید دو عامل اساسی را مورد مطالعه قرارداد .

یکی ازاین عوامل تاثیری است که چنین اتحادیه ای در میزان حساسیت فرانسه در مستملکات عربی نسبت آن کشور خواهد بخشید .

و دیگری بطورکلی روشی است که دولت کنونی فرانسه درباره « اتحادیه عاربلوکهای محلی » درپیش گرفته است

در باره عامل اول پیش ازهرچیز مسئله « سوریه ولبنان » اهمیت بسزائی کسب میکند ، وبا تشکیل این اتحادیه یکباره این دو کشورا که چندی پیش « ژنرال کاترو » کمیسر عالی فرانسه در شام با استقلال آنها موافقت کرده و حالا معلوم نیست دولت فرانسه با آن نظر موافق باشد — از حیطه نفوذ فرانسه خارج کرده درقسمت نفوذموجدین اصلی فکر « اتحاداعراب » قرارخواهد داد .

بعلاوه وضعیتی که تشکیل چنین اتحادیه ای برای « الجزایر » « مراکش » وتونس فرانسه پیش میاورد شایان توجه دقیقی میباشد ، ونتیجه طبیعی این وضع آنست که فرانسه اگر مخالفت جدی وصریحی نیزدر این باره ابراز نکند ، روش موافق ومساعدی نیز در پیش نخواهد گرفت .

واجع بعامل دوم ، باید بخاطر داشت که بلافاصله بعد از مسافرت نخست وزیر انگلستان بپاریس وملاقات او با مقامات فرانسوی ، رئیس دولت مقاومت فرانسه « ژرژپیدو » که در عین حال وزیر امور خارجه آن کشور نیز هست ، درحین تشریح روش سیاست دولت فرانسه اعلام داشت که « دولت فرانسه باتشکیل هر گونه اتحادیه ها وبلوکهای محلی مخالف است . . . »

بدین ترتیب باید در نظر داشت که فرانسه باقول صریحی که « ژرژپیدو » داده است ممکن نیست نسبت بیك « اتحادیه محلی » که شاید بعدها وبیشتر شده و صورت « اتحادیه ممالك اسلامی » را بخود بگیرد ، صورت خوشی دهد .

در هر حال تشکیل « اتحادیه اعراب » پیش از تعیین تکلیف قطعی « سوریه ولبنان » و جلب نظر صریح فرانسه مشکل بنظر میرسد .

چاپخانه داود
شماره تلفن ۶۴۵۸

خلاصه اخبار روزنامه و رادیوهای خارجه راجع بوضعیت پایتخت آلمان

ژنرالهای پیروزمندارتش سرخ در چند کیلومتری برلن بهم میرسند . مقدار زیادی از شهرها وآبادی های مهم آلمان از دست هیتلر خارج شده است مخصوصا اغلب آنها ازحیث صنایع جنگی وآذوقه برای ارتش محصور آلمان بسیارمهم بوده است برلن را باسرعت تخلیه میکنند . بنا بخبررادیوها شکست های اخیر برای فرماندهی آلمان ناگهانی بوده است . از اینجهت تخلیه برلن با تعجیل انجام می گیرد اما درعقب نشینی خود موجب وحشت و اضطراب گردیده است در اغلب مواقع زدوخورد وجدال ومناوره باکشتار جمع کثیری خاتمه پیدا میکنند .

هوا هنوز سرد وطاقتفرسا است مردم با سختی جان خودرا بدندان گرفته ازشهرفرار میکنند . صدای شلیك توپهای هووری وحشت عجیبی تولید کرده است مردم دیگر بتهدید پلیس وسامورین انتظامات اعتنا نمیکنند در خیابانها سنگر بندی آغازشده است .

پایتخت را به موزیع انتقال میدهند سران فاشیست در برلن هرگز دیده نمی شوند . خود هیتلر در نقطه نامعلومی است . پیش ازهمه اسرای جنگی واز اطراف برلن دور کرده اند مخصوصا کارگران وهنارسز متفکش را با زورازخانه و مسکن های خود بیرون کشیده با خود میبرند . در صورت عدم تسکین بدون محاکمه اعدام میکنند .

بنا باظهارات روزنامه های سویسی با اسرای روسی مخصوصا بیشتر ازسابق بد وفتاری میکنند . درشهرها و دهاتی که بدست آرتش سرخ افتاده مدارك و آثاروفراوان بدست آمده است که تابلوهای وقت آوری از وحشیگری آلمانها را در نظر مجسم میکنند .

این مدارك حس انتقام جوی جوانان روسی را تحریك میکند .

بنا باخبار روزنامه های سوئدی از برلن تمام دوائردولتی را خارج کرده اند شهر باردوگاه تبدیل شده است . بغیر از افراد آرتش ونیکاههای نظامی از برای تامین آذوقه مردم دولت تهیدی ندارد . هرکس باید بهرسیله ای که می تواند زندگانی خودرا تامین بکند . این تدبیر را برای این اتخاذ کرده اند که مردم غیر نظامی وآدار شوند هرچه زودتر شهررا تخلیه کنند .

درنتیجه از دست دادن سیاری وقطع رابطه بابروس شرقی در مهمات وآذوقه ارتش نیز سختی مشاهده میشود .

در واحدهائی که از ایتالیا بجبهه شرق انتقال داده شده است خستگی وضعف روحیه بیشتر از یادگان محلی است .

اسم آرتش سرخ و عبارت بولشویزم حالا دیگر درگوش سربازان آلمانی صدای دیگر دارد .

از هیبت توپهای شوروی ارکان فرماندهی آلمان بلرزه درآمده است .

ملت آلمان مایوس ، خسته بزار شده است . حرفهای هیتلر وسایر سران نازی برای مردم دیگر تسلی بخش نیست . همه احساس کرده اند که دیر یا زود صلیب شکسته زیرپای سربازان سرخ سرنگون خواهد شد .

وعده میدهند که ملت آلمان وهیتلر بگرداب هولناك نیستی کشیده است .

هیچوقت ملت آلمان این اندازه بی یار و یاور نبوده است .

حرف سازش و تقاضای صلح اگر چه در روزنامه های آلمان راه نداده ، ولی ملت قلبا میخواهد هرچه زودتر این کار عملی بشود . ولی سران نازی فقط از نقطه نظر حفظ جان خود حاضر نیستند بلاشرط و قید تسلیم بشوند .

هیتلر پیش از پیش متوحش وهراسناك شده بوحشیگری های جدیدی دست زده است سوء ظن وبدبینی روان عاصی و ناراحت اوراز زندگی بیزار کرده است ژنرالها و فرماندهان دیگر جرئت ندارند حقیقت حال را برای اوشرح بدهند .

وخامت وضعیت طوری است که پنهان داشتن آن امکان پذیر نیست . خبرها دیر یا زود بگوش او میرسد ودیوانه ترش می کند .

از شهامت وخونسردی ومتانتی که استالین در جنگ مسکو بروز میدادند هیتلر اثری دیده نمیشود . حرکت جنون آمیز ودست پاچگی وفرمانهای بی ربط و بی جریان روز دوبدن بدون هدف و نقشه خودرا به آب وآتش زدن اینست عکس العمل حملات آرتش سرخ در روان ناپیون و زیون دیکتاتور نازی .

آرتش سرخ با قدمهای محکم پیش میرود تمام جزئیات حمله از طرف فرماندهی او پیش بینی شده است .

مخصوصا نگهداری پشت جبهه و رساندن کمك ومهمات همه از روی حساب انجام میگیرد . باوجود این نه تنها فرماندهان بلکه افراد هم در حدود مسئولیت خود آزادی عمل دارند . ازاین جهت مشکلاتی که آرتش هیتلر در خاك روسیه تصادف کرد آرتش سرخ توانسته است ازوقوع آنها جلوگیری بکند .

با وجود مشاهده آثار وحشیگری و دزدی وکارهای زشت و کثیف سربازان نازی آرتش سرخ در رفتار خود متین و پاك است اوبك هدف مقدس داردکه آنهم شکست آلمان است اوبرمردم کار ندارد بدون محاکمه کسی را در حال فیر عادی مجازات نمیکند از بنا وغارتگری بیزار است اوخودرا سرباز میداند با دشمن مسلح نبرد کرده اوراز بین میبرد بازن وبچه و اطفال کار ندارد .

او میخواهد درختی راکه این همه علف هرزه زیر سایه خود پرورانده است از بیخ برکند .

آرتش سرخ تضاوت خود را کرده تصمیم خودرا گرفته است آرتش آلمان باید از پای در بیاید وملت آلمان که اعتبار خودرا بدست شریر ترین عناصر عصر حاضر داده بود باید انتقام بس بدهد ولی این انتقام انفرادی نخواهد بود

انتقام وکیفر عمومی انتقامی که عدل وداد و اصول انسانیت آنرا پسندیده باشد . آرتش سرخ میخواهد کاری بکند که یکبار دیگر ملت آلمان قادر نباشد دنیارا بدو پای خون میدل ساخته وحشی گری های خود را تکرار بکند .

ملت آلمان خود میلرزد برلن که سر او است مانند سرمادران زخم خورده از وحشت و اضطراب در پست وتیزاست ولی آرتش سرخ این سر زهرآگین را خواهد کوبید .

بقلم جیمول . د .

فرار مظفر فیروز

من نیز روزجمعه مانند همه سنجیده گان سرقبر مرحوم دکتر ارانی رفته بودم . بطوری که درشماره پیش آژیر نوشته شده بود درآنجا جمعیت زیادبود چون دیر رسیده بودم ناچار در درب ورود ایستادم . جمعیت مانند دریا موج میزد ولی آرام و بی صدا بود . حرفهای ناطقین با وجود دوری فاصله بخوبی شنیده میشد .

احساسات مردم بجوش آمده بود ولی نمیخواستند باظهار آن انتظام و آرامش را بهم بزنند ، فقط در میان عبارات احساسات آمیز ناطقین جمعیت گاهی سکوت را شکسته باکف زدن وزنده باد ومرده باد گفتن احساسات درونی خود را ظاهر میساختند .

نمیدانم برای چه آن ساعت دلم میخواست سیدضیاءالدین وسایردشمنان آزادی در آنجا حاضر بودند . کاش آن دقیقه چیز دیگر آرزو میکردم مثلا مانند همیشه آرزو میکردم که بساط ظلم و تعدی برچیده میشد ملت حکومت را بدست میگرفت . خائنین را مجازات میکرد . دشمنان آزادی را بدار میآویخت ولی خودم نیز نمیدانم چرا آرزو میخواستم از سیدضیائی ها کسی آنجا باشد در صورتیکه میدانستم آنها ممکن نیست کسی را برای جاسوسی آنجا نفرستاده باشند دلم میخواست این جاسوسین مردمان با شهامتی بودند وضعیت را طوری که بود برای آنها شرح میدادند .

باکمال صداقت اعتراف میکنم که این دلخوشی کوچك درنظرمن خیلی بزرك می نمود .

نمیدانم چطور شد که یکدفعه با نطرف درب متوجه شدم آنچه که دیدم باورکردنی نبود .

بیکبار دیگر چشمهای خودرا از هیئك دودی راحت کرده بخودگفتم شاید اشتباه میکنم بلکه دوضی گرفته ام ولی اشتباه نکرده بودم خود او یعنی آقای مظفر فیروز مدیر رهنامروز بود .

بنا بعادت معمول هیئك را در آورده آنرا بادستمال ابریشمی پاك میکرد مثل دیوانگان چشمهای ورقامیبده اش داشت از حدقه بیرون میآمد .

نوك دماغ بارنگ قرمز شده بود ، لباس مشکی در برداشت تنها من نبودم عده دیگر هم متوجه او شده بودند این درست هنگامی ؛ ودکه بانو مریم فیروز در پشت تریبون قرار گرفته با لحن طبیعی راجع بعدا کاری های شوهرا و قهرمانان راه آزادی سخنرانی میکرد مظفر باشنیدن صدای رسای همه خودسخت متاثر شد ازطرف دیگر احساس کرد که جمعیت دادوبوجود او پی میبرد مخصوصا کف زدنهای متعددیکه اثنای سخنرانی بانو مریم فیروز شدت یافته بود اورا هم صحبانی وهم متوحش میکرد . وضعیت برایش قابل تحمل نبود اگر چه مردم کار بکار او نداشتند باوجود این بحکم (الحائن خائف) صلاح خودرا درفرار دید .

من میخواستم خودرا باو رسانده بگویم تا آخر بمانند و تعهد بکنم که کسی بکار او کار نداشته باشد متاسفانه تا من بتوانم ازمیان جمعیت بیرون بیایم اوخودرا باتومبیل رسانده فرار کرده بود .

بعد از خانه مراسم سوگواری تنها راه اقتادم پیش خود بانو مریم را با مظفر مقایسه میکردم . اولی در نظرم یك موجود متین جدی و با تمام معنی قابل احترام مینمود . دومی از آدم جبون ، خود خواه ، شرور ، بی شعور و بی پرنسیب و دیوانه یافتم .!

مریم فیروز بالاخره احساس کرده است که باید با جمعیت باشد — بامردم باشد — برای تمام آنها برای توده ، برای تامین آسایش اکثریت جامعه فداکاری بکند قلم و زبان خودرا برای بیدادی نسوان سنجیده بکار ببرد ولی مظفر اسیر پنجه قهار هوا و هوس وحس خود نمائی وجاه طلبی بوده دارد باشخاصی که دشمنان مدار پدران خود او بوده اند همکاری میکند .

در صورتی که خودش میداند سیدضیا یکانه کسی است که جداو فرمانفرمای مرحوم را باکمال حقارت حبس کرده ازاین تیشه را بپدر او وارد آورده است . مظفر باکمال نامردی دارد برای دشمنان فامیل فرمانفرما که اقتدا دشمنان ملت ایران هم هستند راه باز میکند .

مریم فیروز باکمال شهامت در ردیف آزادیخواهان قرار گرفته است .

مظفر گریز بااست ولی مریم در راهی که پیش گرفته است ثابت قدم خواهد بود قرارمظفر فیروزنك . سخنرانی مریم فیروزانتظار خاندان فرمانفرما است

نامه ربابه خانم معمار زاده

در یکی از روزنامه ها نامه حاجیه ربابه منتشر گردید ایشان ازنادری نوکر خود شکایت کرده اورا بزرگترین جنایتکاران نامیده است در زیر نامه ربابه خانم وصورت طلبکاران ایشان درج شده است که خالی از لطف نمی باشد .

صورت طلبکاران ربابه خانم

آقای فرخ نماینده مجلس	سیصد هزار ریال
« بازارگاد مدیر خورشیدایران	چهارصدهزار ریال
« تیمسار کازرونی	ششصد هزار ریال
« سرهنك تقی صاحب	سیصد هزار ریال
« سرهنك شاهقلی	سیصد هزار ریال
« سرهنك حسین هوشمند	دویست هزار ریال
« سرهنك مادینا	۲۸۰ هزار ریال
« سرهنك حسین آذر برزین	یکصد هزار ریال
« سروان هاشقلی بیکاری	٤ صد هزار ریال
« سرگرد عبدالحسین قائمی آذر	هفتاد هزار ریال

از تهران مصور